

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال ششم - شماره اول - بهار ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۱۹

بررسی سبکی و محتوایی وزارتنامه‌ها

(ص ۲۹۸-۲۸۵)

شهرزاد شیدا (نویسنده مسئول)^۱، داوود حقی دانالو^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

وزارت یکی از مهمترین منصبها در تاریخ حکومتداری ایران بوده است. این منصب با توجه به شرایط و موقعیتهای گوناگون، تغییراتی پیدا کرده است و حکومتهای مختلف متناسب با ویژگیهای خود قواعدی را به این منصب افزودند. بعنوان مثال در دوره اسلامی قوانین و احکام اسلامی به آن اضافه گردید که باعث شد این منصب شکلی متناسب با حاکمیت اسلامی پیدا کند. در طول تاریخ، سمت وزارت توسط افراد مختلف، چه از نگاه سیاسی و چه مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تأکید بر «وزارتنامه‌ها»، از جمله متونی که به بررسی منصب وزارت پرداخته‌اند، ویژگیهای سبکی، تاریخی و مطالبی را که در این متون بیان شده است مورد بررسی قرار میدهد.

کلمات کلیدی

وزارت، حاکمیت اسلامی، وزارتنامه، سبک، تاریخ

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج shahrzadsheyda@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

مقدمه

وزارت، یکی از اصلیت‌ترین و حتی شاید بتوان گفت مهم‌ترین منصب در نظام حکومتداری ایرانیان بوده است. پیشینه آن به دوران حکومتداری ایران قبل از اسلام باز می‌گردد. باید اذعان داشت که این منصب در دربار خلفا و حکومت‌های اسلامی، تقلید از منصب «وزرک فرمدار» در دوران پیش از اسلام بوده است. «کریستن سن» در کتاب خود به صراحت این مطلب را بیان میکند که منصب وزارت اعظم که خلفای عباسی برقرار کردند و در میان همه دولتهای اسلامی متداول گردید، تقلید مستقیم از منصب «وزرگ فرمدار» ساسانیان بوده است. (ایران در زمان ساسانیان، کریستنسن آرتور: ص ۱۷۲)

البته لازم بذکر است که وزارت در دربار خلفای عباسی با وجود وزرای همچون خاندان برمکی دوباره احیا شد و ویژگیهای اسلامی به آن افزوده گردید و با توجه به شرایط زمانه، شکلی خاص پیدا کرد. اهمیت بسیار این منصب سبب شده تا کتابهای بسیاری درباره آن نوشته شود. در کتابهایی که با نام «سیرالملوک» در تاریخ اندیشه سیاسی ایران شناخته شده اند مطالب بسیاری به سمت وزارت اختصاص داده شده است؛ از جمله، «خواجه نظام الملک» در کتاب «سیاستنامه». همین اهمیت باعث شده که عالمان مذهبی نظریه پرداز حکومت اسلامی، به این منصب توجه بسیار کنند و در کتابهای خود بخشی را به آن اختصاص دهند؛ مثلاً «غزالی» در کتاب «نصیحة الملوک» و «فضل الله بن روزبهان خنجی» در کتاب «سلوک الملوک».

در متونی که از آنها نام برده شد، تنها بخشی از کتاب به ذکر این منصب اختصاص دارد در حالیکه اهمیت آن باعث گشته که حتی متونی به رشته تحریر درآیند که تنها به منصب وزارت و اهمیت آن در ساختار حکومتداری ایرانیان بپردازند. این متون درباره وزرا و شیوه رفتار آنها با حاکم و رعیت و نحوه عملکرد آنها نوشته شده است. ما از آنجایی که نامی بر این دسته از متون نهاده نشده، در این پژوهش نام «وزارتنامه‌ها» بر آن نهادیم. (این نام به قیاس از «سیاستنامه‌ها» انتخاب گردید.)

در این بخش، تعدادی از این متون معرفی شده و سپس مهم‌ترین آنها مورد بررسی قرار گرفته است تا ویژگی کلی آنها، و نیز ویژگیهای سبکی و تفاوتشان با سایر کتابهایی که به این منصب پرداخته‌اند مشخص شود. همچنین مطالبی که در «وزارتنامه‌ها» بیان شده‌اند بررسی خواهد شد تا نوع روایت این متون، مشخص شود.

۱. دستورالوزاره

اولین کتاب، «دستورالوزاره» اثر «محمود بن محمد بن الحسین الاصفهانی» است که بر اهمیت وزیر و منصب وزارت و نیاز پادشاه به وزیری صاحب رأی تأکید کرده است. نویسنده، همانطور که از نامش مشخص است، اهل اصفهان بوده اما به دلیل آشفتگی اوضاع اصفهان، زادگاه خود را ترک کرده و به فارس رفته است. در فارس یکی از دوستانش او را تشویق می‌کند تا کتابی درباره وزرا تألیف کند. وزیری که مولف، کتاب را برای او نوشته در دربار «تابک زنگی» و به احتمال زیاد، «عمیدالدین ابونصر اسعد ابرزی» بوده است.

در این کتاب بعد از اینکه بر وجود پادشاه تأکید شد مینویسد: «پوشیده نیست که نظام معالم عالم و استقامت امور بنی آدم به حسن عاطفت و صدق رعایت و عنایت پادشاه عادل منوط است تا به مهابت شمشیر آبدار آتشبار، خاکساران باطل پیشه را به باد سیاست بر میدهد» (دستورالوزاره، تصحیح رضا انزلی نژاد: ص ۳۱)، و ادامه میدهد با این حال پادشاه نیز در کنار خود نیاز به وزیری دارد که «بی شک به معونت و مظاهرت چنین آصف صفتی که عاقله عقلای عصر است و یگانه فضلی دهر، مفتخر باشد». (همان: ۳۲)

در ادامه، مولف با آوردن حکایتی از «اسراقیطس الحکیم» مینویسد: «پادشاه کامگار بختیار از چهار شخصی که هر یک به زیور معنی از اکتساب فضایل نفسان متفرد و متحلی باشند نگزیرد. اول، وزیری هنرمند با رتبتی ارجمند. تا به رأی ثاقب و تدبیر صائب، غبار شبهت و حجاب ریبت از پیش سوانح معضلات و وقایع مشکلات بر میدارد...» (همان: ص ۳۲) همانطور که ملاحظه شد بر نیاز پادشاه به وزیر صاحب رأی تأکید میکند و در ادامه نیز نویسنده با آوردن مثالهایی، بیشتر بر اهمیت این موضوع تأکید مینماید.

۲. دستورالوزراء

متن دیگری که به بررسی وزیران دوره اسلامی پرداخته است، کتاب «دستورالوزراء» نوشته «خواندمیر» است. «خواندمیر» به واسطه کتاب تاریخ «حبیب‌السیر» در تاریخ ایران شناخته شده است. گویا نویسنده در هرات به سال ۸۸۰ تولد یافته و در جوانی به دربار «سلطان حسین بایقرا تیموری» راه پیدا کرده و بعد از آن مدتی را نیز در دربار سلاطین گورکانی هند گذرانده است. «دستورالوزراء» شامل احوال وزرای اسلام تا زمان مولف است که آن را در سال ۹۱۴ به پایان برده است.

۳. نسائم الاسحار من لطائم الاخبار

کتاب دیگر، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» تألیف «ناصرالدین منشی کرمانی» می‌باشد. این کتاب در سال ۷۲۵ تألیف شده و از دیگر آثار همین نویسنده، همچون «سمط العلی للموقف الاعلی» و «درة الاخبار»، مشخص می‌شود که در دربار «قراختایان» کرمان میزیسته و کتاب «سمط العلی» را نیز به نام «ایسن قتلغ نویان»، که از امرای بزرگ «اولجایتو» و «ابوسعید» بوده، تألیف کرده است.

۴. تاریخ الوزرا

کتاب بعدی «تاریخ الوزرا» نوشته «نجم الدین ابوالرجای قمی» است. در مورد تاریخ تألیف کتاب «اشارات و سایر مطالب مولف در بررسی کوتاه موقعیت سیاسی معاصر تاریخ الوزرا را در دهه ۵۸۰ - ۵۹۰ جای می‌دهد.» (تاریخ الوزرا، نجم الدین ابوالرجای قمی: ص ۳۷). از مطالب کتاب مشخص می‌شود که مولف در قرن ششم زندگی می‌کرده است.

در کتاب «دستور الوزاره» بعد از اینکه بر وجود پادشاه تأکید شد «پوشیده نیست که نظام معالم عالم و استقامت امور بنی آدم به حسن عاطفت و صدق رعایت و عنایت پادشاه عادل منوط است تا به مهابت شمشیر آبدار آتشبار، خاکساران باطل پیشه را به باد سیاست بر می‌دهد» (همان: ص ۳۱). مینویسد: با این حال پادشاه نیز در کنار خود نیاز به وزیری دارد که «بی شک به معونت و مظاهرت چنین آصف صفتی که عاقله عقلای عصر است و یگانه فضلاى دهر، مفتخر باشد» (همان: ص ۳۲).

در ادامه، مولف با آوردن حکایتی از «اسراقیطس الحکیم» مینویسد: «پادشاه کامگار بختیار از چهار شخصی که هر یک به زیور معنی از اکتساب فضایل نفسان متفرد و متحلی باشند نگزیرد. اول، وزیری هنرمند با رتبتی ارجمند. تا به رأی ثاقب و تدبیر صائب، غبار شبهت و حجاب ریبت از پیش سوانح معضلات و وقایع مشکلات بر میدارد...» (همان: ص ۳۲). همانطور که ملاحظه شد بر نیاز پادشاه به وزیر صاحب رأی تأکید میکند و در ادامه نیز نویسنده با آوردن مثالهایی، بیشتر بر اهمیت این موضوع تأکید مینماید.

۵. قابوسنامه

اما متون دیگری که به موضوع وزارت پرداخته‌اند با توجه به جایگاهی که از آن برخوردار بوده‌اند نگاه متفاوتی به این منصب داشته و توصیه‌هایی خاص عرضه داشته‌اند. بعنوان مثال، مولف «قابوسنامه» بحث خود را درباره وزارت، با این مطلب آغاز مینماید که وزیر

باید با سلطان، منصفانه برخورد کند: «اگر چنان بود که به وزارت افتی محاسبت و معاملت شناس باش و با خداوند خویش راستی و انصاف کن و همه طریق راستی نگه‌دار و همه خود را نخواه». (قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاووس: ص ۲۱۷)

۶. نصیحه الملوک

متن دیگری که به این موضوع می‌پردازد «نصیحة الملوک» است. برخلاف «قابوسنامه»، «غزالی» در «نصیحة الملوک» مبحث خود را با تأکید بر نیاز پادشاه به وزیر آغاز میکند «باید دانستن که پادشاهی به دستور نیک، تمام شود و وزیر شایسته و با کفایت و عادل؛ زیرا هیچ ملکی بی دستور، روزگار نتواند گذاشتن». (نصیحه الملوک، محمد غزالی: ص ۱۷۵).

۷. سیاستنامه

«خواجه نظام الملک» مطلب خویش را با این مطلب آغاز میکند که باید همیشه وزیران را تحت نظر داشت: «و از احوال وزیران همچنین در سر میباید پرسید تا شغلها بر وجه خویش میرانند یا نه، که صلاح و فساد پادشاه و مملکت به او باز بسته باشد که چون وزیر، نیک روش باشد مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و با برگ باشند و پادشاه، فارغ دل؛ و چون بد روش باشد در مملکت، آن خلل تولد کند که در نتوان یافت و همیشه پادشاه رنجور دل بود و ولایت مضطرب». (سیرالملوک، ابوعلی حسن نظام الملک: ص ۳۱). همانطور که از مباحث فوق مشخص است نوع نگاه «وزارتنامه‌ها» باعث شده که مطالبشان با سایر کتابهایی که به این منصب پرداخته‌اند تفاوت داشته باشد.

بررسی دستورالوزاره

نویسنده «دستورالوزاره» مینویسد: «بعد از مشاهده بسیار در مجامع فضایل و جوامع خصایل به این نتیجه رسیدم که این رکن دین و دولت، باید دارای ده خصلت خوب این صاحب کافی از صدور و اکابر و وزرای غوایر ممیز مستشنا بود» (دستورالوزاره، الاصفهانی: ص ۳۶). بعد از این، مولف به ذکر ده ویژگی برای وزرا می‌پردازد: «علی الحقیقه عقل پدري است، علم، قره العین او و زبده آن مغز، این سخن نغز است که از نتایج ناطقه روح پرور و لطایف طبع وقاد و قریحه منقاد ملک الوزرا مستفاد است». (همان: ص ۳۶).
دومین ویژگی که نویسنده برای وزیر متذکر میشود: «پوشیده نیست که رأی روشن و ضمیر گلشن ملک الوزرا مر تشیید قواعد ممالکت و تاسیس امن مذاهب و مسالک را رکن

او ثق است... {سومین ویژگی} الخصله الثالثه فی ذکر جوده و سخائه و کمال اریحیه فی فیض عطائه، قال النبی (ص): السخی قریب من الله، قریب من الجنه، قریب من الناس» (همان:ص۳۷). سومین ویژگی که برای وزیر بیان شد بخشندگی او می‌باشد.

چهارمین ویژگی «منا حسن خلقه و لطف خلقه باز در حضرت بهشت آیین این نظام الملک راستین که ارم نعم و حرم کرم است شکار کردن عنقای شمایل لطیفش مرغان دل احرار به حلاوت گفتار و طراوت دیدار» (همان:ص۳۷).

ویژگی پنجم «فرطه عنایته لا راست رافعه الاعلام. خصلت پنجم آثار میامن ناصیه آن مبارک پی که به پرتو سعادتش در این عهد مبارک پادشاه اسلام، صاحبقران اعظم، وارث تخت سلیمان خدالله ملکه که صبح ظفرش به طالع سعد تیغ برآهخت تا روز عدو به شب رسانید....

{ویژگی ششم} خصلت ششم آنست که در جهات است امروز کم صاحب منصبی را نشان می‌دهند که در صدر صفه او در یک طرف توقیع مطاع دیوان ممالک و ضیاع را نشان فرمایند. در دگر طرف به قلم فتوی گره‌گشای معضلات خلاف و مشکلات اختلاف بیان کنند، هم ارکان وزارت به این صدر اسلام مشید هم قواعد مناظره به فحول فقها و اهل علم ممهّد، به اجتماع ائمه اجله و فقههای مناظر که مناظر ایشان به طلاوه اجلال و ابهت فضل و افضال متلالی است و صفت آن آیین خوب و قوانین محال از کیفیت شرح متعالی است.» (همان:ص۳۸).

ویژگی هفتم «در فضل الید (احسان) این سرور پایه جلال است. در انواع تربیت و ایشبال این منابع فضل و افضال نظام الملک سیادت و قوام ملک سعادت، و بذل المجهود او تا این نیرین هفق معالی در حجر عاطفت و ظل عنایت موفق گردند و به حسن نظر و اهتمام او محقق باشند» (همان:ص۳۹).

ویژگی هشتم «آری زبده این فصل در فضل عمامه است سیما بر سر این سرور دست وزارت و مفتی مسند شریعت. و این شیوه دستار داری از اصل محتد کابرا عن کابراً عن کابراً ارثاً عن الصدور والاکابر است» (همان:ص۴۰). نهم اینکه: «از نفایس خلال حمیده و خصال ستوده و مکارم اخلاق و محامد اوصاف که تفرد ذات این یگانه دست وزارت است عنایت ایزدی است درباره صفای طبع لطیف او از کدورات رذایل بشریت و نتایج آن» (همان:ص۴۰).

بالاخره دهمین و آخرین ویژگی: «حسن عشرته مع ارباب الحاجات و مبادرته الی اسعافها قبل الفوت» (همان:ص۴۲). درباره رفتار خوش ممدوح با نیازمندان و اقدام وی نسبت به برآوردن آن نیازها پیش از فوت فرصت است.

نویسنده «دستور الوزاره»، بعد از هر ویژگی که برای وزیر، ذکر کرده با آوردن نمونه ای از تاریخ، آنها را برای خواننده قابل فهم نموده است. میتوان گفت که بسیاری از این نمونه‌ها همان نمونه‌هایی هستند که در متون قبلی به آنها اشاره شده است. در حالیکه در «سیاستنامه»، «نصیحة الملوک» و «قابوسنامه»، هیچ ویژگی خاصی را برای وزرا ذکر نکرده‌اند و تنها به بیان روابط سلطان و وزیر و تعهداتی که وزیر و سلطان در برابر هم دارند میپردازند: «و پادشاه باید که با وزیر سه کار کند: یکی اینکه چون از وی زلتی در وجود آید، بعقوبت آن نشتابد؛ و دیگر آنکه چون توانگر شد، به مال وی طمع نکند؛ سه دیگر آنکه چون حاجتی خواهد روا کند.» (نصیحة الملوک، محمد غزالی، ص: ۱۷۶).

مولف «قابوسنامه» مینویسد: «پس اندر وزارت، معمار و دادگر باش تا زبان تو همیشه دراز باشد و زندگانی تو بی‌بیم بود؛ که اگر لشگر بر تو بشورند خداوند، ناچاره دست تو کوتاه باید کرد تا دست خداوند تو کوتاه نکنند.» (قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاوس، ص: ۲۱۸). هیچیک از این متون به بررسی ویژگیهای وزرا به شکلی که مولف «دستور الوزاره» اشاره میکند، نپرداخته‌اند و تنها مطالبی کلی در باب شرایط وزرا نگاشته و بعد از آن نیز حکایت‌های بسیاری از تاریخ، ذکر کرده‌اند.

«دستور الوزاره» با سایر متون «وزارت‌نامه»، بلحاظ مطالب، متفاوت است. چراکه این متون، بعد از ذکر ویژگی کلی وزرا، به بررسی وزیران دوره‌های مختلف میپردازند، در حالیکه «دستور الوزاره» در هر باب از ابواب دهگانه خود، یکی از خصوصیات وزارت مانند نوع برخورد با وزرا و رفتار حاکم با وزیر را مینگارد. بطور مثال در باب پنجم، درباره نقش خلفا در انتخاب وزرای فاضل و یا در باب نهم در مورد فضایل و رذایل ایشان سخن به میان آورده است. در حالیکه سایر وزارتنامه‌ها بعد از بحث درباره ویژگیهای وزیر، به ذکر نام وزرای دوره‌های مختلف پرداخته‌اند و از این لحاظ «دستور الوزاره» با سایر متون تفاوت دارد. این کتاب همچون سایر آثاری که برای پند و عبرت پادشاهان تألیف شده‌اند دارای حکایت‌های اخلاقی و تمثیلهای بسیار است و از آنجا که این متون برای افراد ممتاز حکومتی تألیف میشدند باید دارای بیانی نرم و انتقادهای غیر مستقیم باشند، از این لحاظ این متن به «سیرالملوکها» بسیار شباهت دارد؛ در حالیکه سایر «وزارتنامه‌های» بررسی شده از این ویژگی برخوردار نیستند، و بلحاظ تاریخی اهمیت بیشتری دارند.

بلحاظ ویژگیهای سبکی، این کتاب، دارای نثری مسجع است. علاوه بر این، در نگارش آن از اشعار و عبارات عربی بسیار استفاده شده و همین مساله باعث گشته که فهم بخشهایی از آن دشوار گردد: «آمده است که محمد غالب روز نوروز دواتی با اساود آن به عبدالله بن

سلیمان فرستاد و این رقعہ نبشت اهدیت ایدک الله دواة جامعةً للاسباب، زنجیة الانساب، فیه
مَجری حلک و عقدک و مقادیر امرک و نهیک

أُمُّ الرَدَى والنَدَى سَوَدَا تَحْسَبُهَا مِنْ حَسَنِهَا دُمِيَّةٌ صِيغَتْ مِنَ السَّيْحِ
يَحْكِي سَنَا حَلِيهَا بَرَقًا تَبَسَّمُ فِي جَنحِ الظَّلَامِ وَ لَيْلًا دَامَسَ الدَّجِجِ

(دستورالوزاره: ص ۱۱۲)

علاوه بر اشعار عربی، شعرهای فارسی بسیاری نیز در کتاب وجود دارد:

«تا چرخ فلک مرا جدا کرد ز دوست دشمن ز طرب همی نگنجد در پوست
من صبر کنم که این فلک کودک خوست یک ساعت دشمن است و یک ساعت دوست»
(همان: ۱۰۰)

بررسی دستورالوزرا

متن بعدی، «دستور الوزرا» «خواندمیر» میباشد. در ابتدا برای تأکید بر اهمیت وزارت و نیاز به داشتن وزیری کاردان، آیه ای از قرآن آورده است: «بر رأی صواب نمای اصحاب جاه و جلال و ضمیر عقده گشای ارباب دولت و اقبال پوشیده نخواهد بود که بر طبق کلام خیر انجام «اذا اراد الله بامیر غیراً جعل له وزیر صدق ان نسی ذکره و ان ذکر اعانه» تشدید قواعد خلافت و کامرانی و تمهید میانی سلطنت و جهانبانی بی اصابت تدبیر وزیر صافی ضمیر نظام نگیرد و سرانجام امور رعیت پروری و تمشیت مهمام عظمت و عدالت گسترش بی توقیه رأی صواب نمای مشیر صائب تدبیر انتظام نپذیرد و لسان کشور ستان هیچ سلطانی بی معاونت علم خجسته رقم وزرای عظام، کارگر نیاید و حسام خون آشام هیچ صاحب قرانی بی مساعدت خامه مشکین عمامه صواحب کرام، دستبرد ننماید:

ز رای وزیران روشن ضمیر شود کار شاهان کفایت پذیر» (دستورالوزرا، غیاث الدین خواندمیر: ص ۳)

این موضوع که برای تأکید بر داشتن وزیر و اهمیت آن، آیه‌ای از قرآن را بیان میکرده اند از زمان خلافت عباسی در متون مختلف رواج یافت. چرا که عباسیان برای آنکه بر اهمیت وزرات تأکید کنند و بلحاظ مذهبی، لزوم این منصب را توجیه نمایند به آیه‌ای از قرآن «و اجعل لی وزیراً من اهلی، هارون أخی، أشدد به أوزری، ائ أشرکه فی امری» (سوره طه: ۳۲-۲۹). ارجاع میدادند. در واقع، عباسیان با ارجاع به این آیه از قرآن جنبه مشروعیت دینی وزرات را توجیه نمودند (قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، داود فیرحی: ص ۱۹۳). زیرا ادعا میکردند که وزرات به شکل اسلامی آن در زمان عباسیان ایجاد شد و قوانین آن شکل گرفت: «باید دانست که پایه وزرات در دولت بنی عباس نهاده شد، و قوانین آن در زمان ایشان برقرار گردید، اما قبل از

آن، وزارت، نه قاعده معینی داشت، و نه قوانین پابرجایی، بلکه هر یک از سلاطین دارای اطرافیان و اتباعی بودند، و چون امری پیش آمد مینمود سلطان با صاحبان خرد و رأی مشاورت میکرد، و هر یک از ایشان بمنزله وزیری محسوب میشد» (تاریخ فخری، محمد بن علی طقطقی: ص ۲۰۶).

همانطور که از نوشته «خواندمیر» برمیآید، وی برای وزارت و نقش آن در اداره ملک اهمیت بسیار زیادی قائل میشود و حتی مدعی است که بدون وجود وزرا اداره امور مملکت ممکن نمیشد. در حالیکه، در دیگر «وزارتنامه‌ها» چنین تأکیدی نشده بود. و مینویسد: «پادشاه کامگار ابواب خزانه اسرار پیش او گشاید و اسباب کفایت آمال از اصابت رأی صواب نمایش طلب نماید هر آینه اساس بنیان دین و دولت سمت ثبات و دوام گیرد و جدار ارکان ملک و ملت، صفت رسوخ و استحکام پذیرد:

ز فکر وزیر فطانت پناه مخلص شود دولت پادشاه» (دستورالوزرا، خواندمیر: ص ۴).

و تنها «غزالی» است که با چنین تأکیدی بوجود وزیر اهمیت میدهد: «زیرا هیچ ملکی بی دستور، روزگار نتواند گذاشتن.» (نصیحه الملوك، غزالی: ص ۱۷۵).

از سوی دیگر «خواندمیر» با زیرکی، انتخاب وزیری شایسته و لایق را بر عهده پادشاه قرار داده و از او خواسته که وزیری کاردان برای مملکت انتخاب کند: «بناء علیهذا پیوسته سلاطین جهانگشا و خوانین مظفر لوا مسند وزارت را به وجود وزرای صائب رأی می‌آریند و زمام اختیار کلیات مهمات را بغبضه درایت ایشان دارند» (دستورالوزرا، خواندمیر: ص ۴).

«خواندمیر» در بخشهای مختلف کتاب، در شیوه برخورد پادشاه با وزیر، شرایطی را مشخص کرده و نشان داده که پادشاه باید چگونه از رأی و تدبیر وزیر استفاده کند: «یکباره محتاج رأی او مباش و هر سخنی که وزیر بگوید در باب کسی و طریقی که باز نماید بشنو اما در وقت اجابت مکن: تا بنگرم آنگه چنان که باید کرد بفرمایم.» (همان: ص ۴). همچنین در مورد میزان اختیار دادن به وزیر گفته است: «هر کس را که وزارت دادی وی را در وزارت، تمکین تمام کن تا کارهای تو و شغل مملکت تو برو بسته نباشد و با اقربا و پیوستگان او نیکویی کن»

نکته آخری که «خواندمیر» بر آن تأکید کرده و در دیگر متون، یادی از آن نشده این است که وزیر باید فضلا و دانشمندان و هنرمندان را تحت حمایت خود قرار دهد: «طوایف افاضل که فاقه زدگان خشکسالی نوائبند از غمام انعام عامش صرفه و آسوده و شرایف امثال که ستمدیدگان روزگار مصائبند از رواتب احسان فراوانش بر بستر استراحت غنوده» (همان: ص ۷). بعد از مطالبی که «خواندمیر» درباره شرایط وزارت، و ویژگیهای وزیر بیان میکند شروع به ذکر نام وزرای دوره‌های مختلف تا زمان مولف مینماید و شیوه بیان این است که

ابتدا، از وزرای مثل «آصف برخیا» و «بزرگمهر حکیم» آغاز میکند و اطلاعاتی مختصر درباره آنها میدهد و بعد، به وزرای اموی و عباسی و حکومت‌های ایرانی - اسلامی می‌پردازد. اطلاعات تاریخی این متون که به زمان نویسنده نزدیک میشوند دارای اهمیت بسیارند. شیوه پرداختن به هر وزیر اینگونه است: بعنوان مثال، درباره «ابوالحسین مُزنی» گوید: «در اوایل حال، مستوفی دیوان امیر نوح سامانی بود و بعد از شهادت ابوالحسین عتبی منصب وزارت را تکفل نمود و چون ابوالحسن سیمجور از شکست ابوالعباس تاش و قتل ابوالحسین عتبی خبر یافت، بخلاف حکم از ولایت سیستان، که بعد از عزل از حکومت خراسان در آنجا بسر میبرد، بطرف خراسان حرکت کرد. ابوالحسین مُزنی چون ازین حرکت وقوف یافت قاصدی نزد ابن سیمجور فرستاده، پیغام داد که مناسب آنست که متعرض ولایت خراسان نشوی و بمملکت قهستان که اقطاع تست نهضت نمائی و ابوالحسن، ملتمس وزیر را بجز اجابت اقتران داده، وزیر بادغیس و گنج رستاق را در اقطاع او افزود و این معنی موافق مزاج حسام الدوله نیفتاد. لاجرم وقتی که از بخارا متوجه خراسان شد ابوالحسین مُزنی را از آن منصب معزول گردانید.» (همان:ص ۱۱۲) «خواندمیر» در پرداختن بوزرای دوره های مختلف، همچون سایر «وزرات‌نامه‌ها» عمل کرده و تنها «دستورالوزاره» است که با دیگر متون متفاوت می‌باشد.

از لحاظ سبک نثری، این کتاب، سبکی نسبتاً ساده و قابل فهم دارد؛ هرچند که عبارات عربی در آن بسیار کم است، اما اشعار فارسی بسیار دارد.

بررسی نسائم الاسحار من لطائم الاخبار

کتاب بعدی «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» است. مولف کتاب، «ناصرالدین منشی»، مینویسد شاهانی که با شمشیر، قدرت خود را بدست آورده‌اند برای اینکه در کار خود موفق باشند نیاز به صاحب قلمی دارند که در تمشیت کارها آنها را همراهی کند: «بنصرت یزدانی و تأیید ربانی شاهان عدل پرور و خسروان بذل گستر بتیغ آبدار، کار جهان را قرار دادند و آثار رأفت و امان و انوار بر و احسان در میان انسان که وسیلت نظم امور عالم ایشانند به اظهار رسانیدند و قلم راست تدبیر جفت شمشیر جهانگیران جهانداران نامدار و شه‌یاران دولتیار آمد تا هر صاحبقرانی در عهد جهانبانی خویش صاحب قلمی را که در دین و دولت یگانه اعصار میدانست مشیر حضرت گردانید و هر جهانداری در نوبت نافذ فرمانی مبارک رایی را در ملک و ملت فرید اعصار بود وزیر مملکت کرد چنانچه بمضای تیغ آب سیمای ملوک و سلاطین و مدد اقلام مداد آشام وزرا صاحب تمکین قصر مملکتها مشید شد و ظل دولتها ضلیل گشت و وزرا فرخنده رویت و مدبران میمون نقیبت آن جهانداران را در اهتمام

اشتغال پادشاهی و ابرام مرائر اوامر و نواهی پیوسته معین می‌شدند. و هیچ جهانگیر جهانبان و کامگار کامران را از دستوری صاحب قران و وزیری کاردان گریز نبوده است.» (نسایم الاسحارمن لطایم الاخبار، ناصرالدین منشی کرمانی: ص ۳-۲)

همانطور که از این نوشته مشخص است، حاکم باید وزیر خود را از بین بهترین افراد که دارای تبحر باشند انتخاب کند. «منشی کرمانی» بر وجود وزیر، در کنار سلطان تأکید فراوان دارد چرا که وزیران میتوانند تمامی فتنه‌ها را آرام کنند. وی تأکید دارد که سلطان برای اینکه «در عهده مملکت خویش در عهده کار رعیت آید» (همان: ص ۲) نیاز به وزیر دارد.

او همچنین، برای اینکه نیاز سلطان به وزیر را حتمی کند علاوه بر آیه قرآن در مورد حضرت موسی که از خدا می‌خواهد وزیری برایش مشخص کند، مینویسد که در کنار تمام حاکمان و سلاطین موفق، وزیری کاردان وجود داشته است: «و نحاریر افاضل هر عهد و مشاهیر امثال هر عصر در تاریخ سیر و روش سلاطین بزرگ منش و خداوندان داد و دهش تصانیف ساخته‌اند و مآثر و مناقب پادشاهان معدلت شعار و خسروان نصفت آثار مدون گردانیده و یمكن که در خلال سیاحت اخبار و احوال و اثنای ایراد قصص حکایات ایشان ذکر بعضی از وزرا علی سبیل الندره کرده. بدین روزگار تاریخی مشتمل بر اخبار و آثار دستوران نامدار و وزیران نیکوکار علی حده نساخته» (همان: ص ۴).

شیوه پرداختن به وزرا در این کتاب نیز همچون «دستورالوزرا» «خواندمیر» میباشد. بعد از مطالبی که درباره وزرات و اهمیت این منصب بیان کرده به وزیران دوره‌های مختلف پرداخته است. با وزرای خلفای راشدین آغاز کرده و تا وزرای مغول، بررسی نموده است. برای نمونه در مورد وزارت «عزیزالدین کاشی» گوید: «از جهابذه صدور و اساتذه کتاب دیوان عراقین بود و چند سال مالک زمام استیفا، صاحب مروت و عالی همت و خیر و دیندار، از بقاع خیر و ابواب البر که در بلاد عراق انشا فرموده است مدرسه‌ایست در کاشان معروف به مدرسه عزیزی، در صنعت استیفا و انواع ضرب و قسمت و جبر و مقابله و دیگر اشکال تبحری داشت.» (همان: ص ۹۱).

بلحاظ سبکی، نثر این متن دارای اشعار عربی و فارسی بسیار کم است «چون نویسنده در ادبیات بسیار قوی و مخصوصاً در عربیت متضلع بوده است مطالب را به بیانی رسا و عبارتی زیبا و سبکی نمکین و طرزی دلنشین ادا کرده است. بطوریکه میتوان گفت از اطناب و از ایجاز مخل، مهجور است و در عین حال مشتمل بر تشبیهات و استعارات و کنایات لطیف و پسندیده و تعبیرات شیوای غیر متکلفانه نیز میباشد» (همان: ص ۵).

از نظر مطالب تاریخی نیز این متون هرچه به زمانه مولف نزدیک میشوند، اطلاعات دقیقتر و قابل اعتمادتری بدست میدهند.

بررسی تاریخ الوزرا

کتاب دیگر، کتاب «تاریخ الوزرا» میباشد. مولف آن بر خلاف کتابهای قبلی که در ابتدا درباره شرایط وزرات و وزیر و ویژگیهای وزرا بحث کرده بودند، کتاب را با سبب نوشتن آغاز کرده است «غرض از این تسبب آن است که دوستی عزیز بر من اقتراح کرد که بر منوال نفثة المصدور، تألیف وزیر شرف الدین انوشیروان بن خالد، قدس الله روحه، تصنیفی سازم، و ذکر وزرای اصحاب مناصب که بعد از این بوده‌اند، بر اسماع معاصران خویش عرض کنم» (تاریخ الوزرا، قمی: ص ۱). و در ادامه میگوید: از آنجا که «شرف الدین انوشیروان» در کتاب خود به وزرات «سنجر» پرداخته، تصمیم به نوشتن این کتاب گرفته و آنرا، ذیلی بر کتاب «نفثة المصدور» میداند.

همچنین، بعد از ذکر این مطالب به سراغ وزرات «قوام الدین ابوالقاسم» میرود، در حالیکه در باقی متون درباره وزرات و اهمیت این منصب بحث میشود، در این کتاب درباره این موضوع هیچ ذکری بمیان نمیاید. و نیز، تمامی متون قبل به وزرای پیش از خود پرداخته و بصورتی کوتاه از این وزرا نام برده بودند؛ بعنوان مثال، مولف «تسائم»، بحث خود را با وزرای خلفای راشدین آغاز میکند و مینویسد: «سالک مسالک صدق و صواب عمر بن الخطاب رفع الله فی جواره مکانه را وزیر عبدالله بن ارقم که از کبار و مشاهیر و اعیان جماهیر صحابه بوده است» (تسائم الاسحار، منشی کرمانی: ص ۱۲). و همچنین کتاب «دستور الوزرا» که «خواندمیر» مطلب خود، درباره وزرات را با «أصف برخیا» و «بزرجمهر حکیم» آغاز میکند، از آنجا که مولف، کتاب را ذیل «نفثة المصدور»، دانسته از این وزرا اسمی نمیآورد. و چون نویسنده، دوران وزرات هفده نفر از وزرا را بررسی کرده باعث شده است مطالب بسیاری درباره وزرا بیان کند که بلحاظ تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است. ولی متون قبل، از وزرای دوره‌های مختلف تنها بذکرنامی بسنده کرده و اطلاعات بسیار کمتری در اختیار خواننده قرار میدهند.

نتیجه

از آنجایی که این «وزارتنامه‌ها» تقریباً از یک ساختار برخوردارند، ویژگیهای آنها با هم مورد بررسی قرار گرفت. نویسندگان این کتابها معمولاً در ابتدای کتاب خود فصلی را بویژگیهای

وزرا اختصاص می‌دهند: ابتدا شرایط رسیدن به وزارت و سپس شرایط و مقررات لازم برای یک وزیر.

ساختار این کتابها تا حدودی شبیه کتابهای «سیاستنامه» میباشد، هم از لحاظ سبک و هم محتوا؛ و حتی میتوان گفت بخش قابل توجهی از مطالب خود را از اینگونه کتابها گرفته‌اند. بخصوص مطالب مربوط بروابط سلطان و وزیر. علاوه بر این همچون «سیاستنامه‌ها»، برای توجیه خواننده، نمونه‌های تاریخی بسیاری نقل میکنند.

تفاوتی که این متون نسبت به «سیاستنامه‌ها» دارند این است که نویسندگان آنها، کتاب خود را تمامی، به این موضوع اختصاص داده‌اند درحالیکه، در «سیاستنامه‌ها» فقط بخش کوچکی از کتاب به این مطلب پرداخته است. همچنین «وزارتنامه‌ها» با ذکر کامل نامهای وزرای دوره‌های مختلف، اطلاعات خوبی از ویژگیهای شخصیتی و تواناییها همراه با بیوگرافی کوتاهی از وزرا بدست میدهند؛ مثلاً اینکه در کدام منطقه به دنیا آمده؛ در چه حوزه‌ای به تحصیل پرداخته و چگونه به این منصب دست پیدا کرده و چگونه کشته شده اند؛ وزارت کدام حاکمان را برعهده داشته و در چه علوم و فنونی تبحر داشته اند.

همچنین از بررسی این متون (وزارتنامه‌ها)، مشخص میشود که با توجه به اینکه نویسنده آن از چه جایگاه و مقام و منصبی برخوردار است به بیان شرایط و نیز توصیه‌های خاص برای وزیر میپردازد. چرا که این موضوع در تفاوت دیدگاه آنان نسبت بحقوق و وظایف وزیران موثر بوده است. و نیز لازم بذکر است که بیشتر تاکید این متون بر روابط حاکم یا سلطان با وزیر است.

این موضوع که برای تأکید بر داشتن وزیر و اهمیت آن، آیه‌ای از قرآن را بیان نموده اند از زمان خلافت عباسی در متون مختلف رواج یافت. در واقع، عباسیان با ارجاع به این آیه از قرآن جنبه مشروعیت دینی وزرات را توجیه نمودند زیرا ادعا میکردند که وزارت به شکل اسلامی آن در زمان عباسیان ایجاد شد و قوانین آن شکل گرفت

منابع

۱. ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۴، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات صدای معاصر، ج چهارم، تهران.
۲. تاریخ الوزرا، نجم‌الدین ابوالرجا، قمی، ۱۳۶۳، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج اول، تهران.

۳. تاریخ فخری، محمدبن علی، ابن طقطقی، ۱۳۵۰، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج اول، تهران.
۴. دانش و مشروعیت در اسلام، داوود، فیرحی، ۱۳۸۲، قدرت. انتشارات نی، ج سوم، تهران.
۵. دستورالوزاره، محمود، الاصفهانی، ۱۳۶۴، تصحیح رضا انزابی نژاد، انتشارات امیرکبیر، ج اول، تهران.
۶. دستورالوزرا، غیاث‌الدین، خواند میر، ۱۳۵۶، تصحیح سعید نفیسی، انتشارات اقبال، چاپ دوم، تهران.
۷. سیرالملوک، نظام الملک، ۱۳۷۸، به اهتمام هیوبرت دارک، انتشارت علمی و فرهنگی، ج چهارم، تهران.
۸. قابوس نامه، کیکاووس، عنصرالمعالی قابوس، ۱۳۵۶، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج اول، تهران.
۹. نسائم الاسحار من لطائم الاخبار، ناصرالدین منشی، کرمانی، ۱۳۶۴، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، انتشارات اطلاعات، ج دوم، تهران.
۱۰. نصیحة الملوک، محمد، غزالی، ۱۳۴۷، تصحیح جلال‌الدین همایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج چهارم، تهران.